



حکاکی در هزارهٔ چهارم تا دوم پ.م.^۱

انریکو اسکالونه

ترجمه: بهار رضائی باغبیدی

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران. brezaibaghbidi@gmail.com

(159-184)

مقدمه

تاریخ ایلام با پیدایش سیستم نگارش آغاز- میخی در شوش III آغاز (لایه‌های ۱۷-۱۶ آکروپل) و نام آن در متون اداری اوروگگین^۲ از لگش^۳ در حدود اواسط هزارهٔ سوم پ.م. ذکر می‌شود. با این وجود، شواهد گسترده‌ای از سبک‌ها و اشکال هنری رایج در هنر حکاکی که از پیشینهٔ فرهنگی ایلامی نشأت می‌گیرد را می‌توان در آغاز هزارهٔ سوم پ.م. با افق‌های فرهنگی همگون شامل ساختارهای سیاسی اصلی که در غرب، مرکز و شرق ایران است، مشاهده کرد (به دورهٔ آغاز ایلامی بنگرید). با این حال، مهرها و اثر مهرها قبل از دورهٔ آغاز ایلامی به طور گسترده شناخته شده بودند و یکی از مهم‌ترین منابع و شواهد برای توسعه فرهنگی دشت شوشان و ارتفاعات ایران را نشان می‌دهند.

نخستین نشانه وجود مهرها در ایران به دورهٔ مس و سنگ قدیم در سه‌گابی و تپه سبز (کردستان) باز می‌گردد، نمایش تزئینات هندسی مهرهای مسطح یک ویژگی کلیدی برای تمام دورهٔ مس و سنگ است. همان مهرهای هندسی در حصار I که عموماً چهارگوش هستند، یافت شدند، اگر چه نمونه‌های مدور و بیضی نیز وجود دارد. نمونه‌های تل باکون با خطوط متقاطع که متعلق به همان دوره هستند در پایان دورهٔ عبید در میان‌رودان نیز یافت شده‌اند. مهرهای شوش A مکشوف در تراس شوش حاوی طرح‌های متقاطع شکل بسیار نزدیک به سنت باکون و نمایانگر تعداد کمی از انسان‌ها یا حیوانات هستند (عموماً گاوها یا بزها) (تصویر ۲a-b). در پایان هزارهٔ چهارم پ.م. در دورهٔ شوش II (مرحلهٔ اوروک؛ لایه‌های ۲۷-۱۷ آکروپل)، موضوعات، سبک‌ها، شمایل‌نگاری و ریخت‌شناسی مهرها دستخوش تغییر می‌شوند. این سبک را باید همزمان با حکاکی اوروک IV با تصاویر جدید در میدان دید وسیع‌تر در نظر گرفت که اکنون ردیف‌هایی از حیوانات و موجودات شبه انسانی را نشان می‌دهد

^۱ - این مقاله ترجمه‌ای است از: Ascalone, E., 2018, "Glyptic in the 4th-2nd millennium", In: Alvarez-Mon, J.,

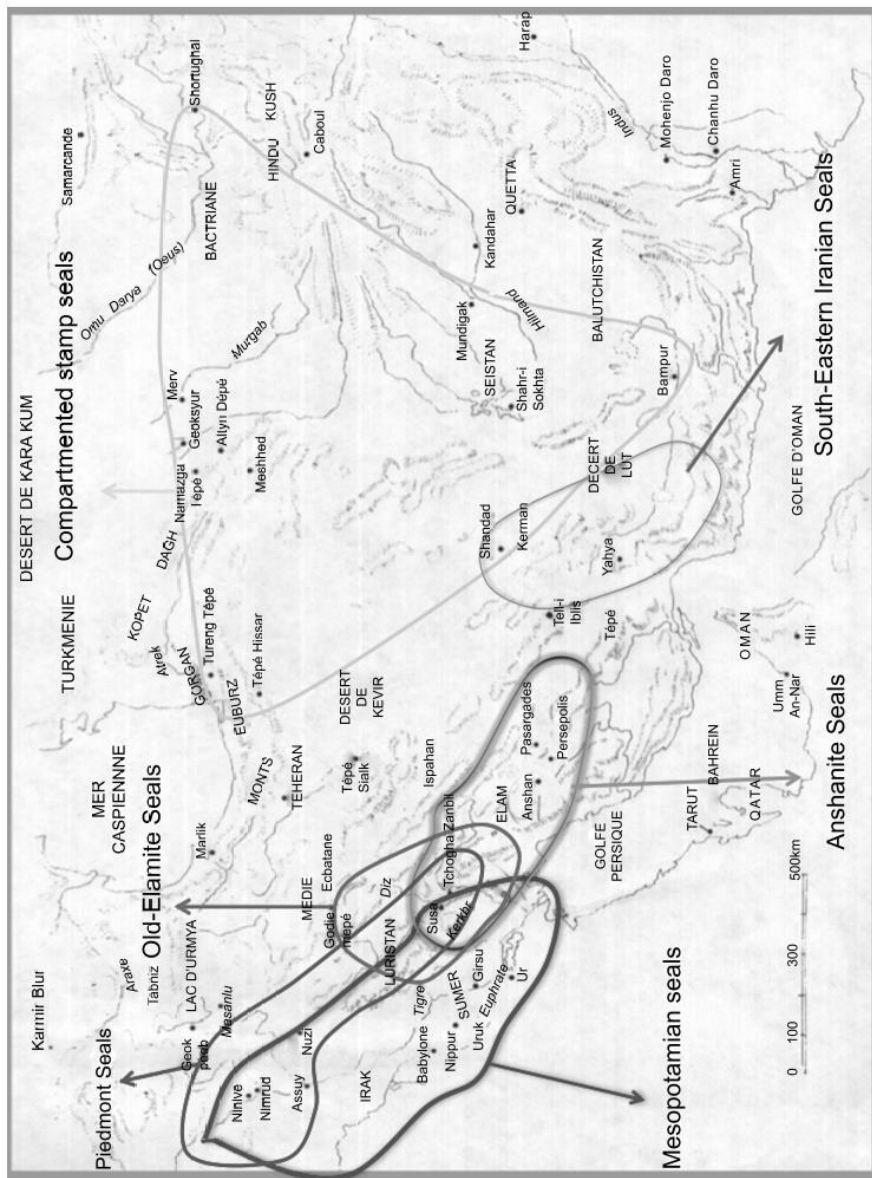
Basello, G.P. and Wicks, Y., (eds.), *The Elimate World*, Routledge: 624-649.

^۲ Urukagina

^۳ Lagash

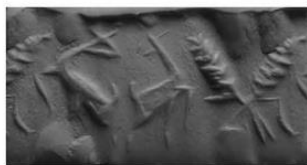
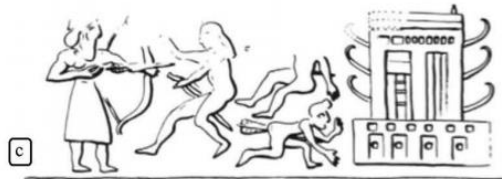


(تصویر ۲c-d). سبکی جدید که به طور گسترده مورد بحث قرار گرفته، در دورهٔ موسوم به آغاز ایلامی شناخته شده است؛ هنگامی که آثار مرتبط با این سبک برای مدت طولانی در یافته‌های لایه‌های دورهٔ شوش III به‌اشتباه طبقه‌بندی و تاریخ‌گذاری شده بودند (به دورهٔ آغاز ایلامی بنگرید). می‌توان از اواخر هزارهٔ چهارم پ.م. مسیر توسعه بی‌وقفه و البته همراه با ناهماهنگی‌ها و ناهمگونی‌ها در تولید مهر را در حوزهٔ فرهنگی ایلام مشاهده کرد. این مسیر توسعه از منظر تحولات زبانی مورد مطالعه قرار می‌گیرد تا در صورت امکان سایر مراحل فرعی تولیدات ایلامی، شواهد متنی و مفاهیم تاریخی آن شناسایی شود (جدول ۱ و تصویر ۱).



تصویر ۱: پیشرفت‌های منطقه‌ای از هنر حکاکی در دورهٔ ایلام قدیم (پس از اعمال تغییرات (Ascalone 2011: Figure 7.1).





تصویر ۲: [a-b] اثر مهرهای شوش A از شوش (پس از اعمال تغییرات 220-231 nn. Amiet 1972); [c-d] نمونه اثر مهرهای اوروک از شوش II (پس از اعمال تغییرات 22 and 28 nn. Aruz, Harper and Tallon 1992); [e-f] مهرهای آغاز - ایلامی از شوش III (پس از اعمال تغییرات 195, Figure 30: 5 and Amiet 1972: n. Mecquenem 1934); [g-h] مهرهای سلسله‌های اولیه (گروه قدیم) از شوش IV_A (پس از اعمال تغییرات 1A.19-1000 Ascalone 2011); [i-j] مهرهای سلسله‌های اولیه (گروه جدید) از شوش IV_A (پس از اعمال تغییرات 1A.51, 57 Ascalone 2011).

دوره آغاز ایلامی (حدود ۳۱۰۰-۲۷۰۰/۲۸۰۰ پ.م.)

بعد از آن که مرحله اوروک در میان رودان و شوشان شناخته شد، دوره جدیدی متولد شد. این دوره به نام شوش III و آثار آن را تحت عنوان «آغاز ایلامی» می‌شناسیم که به دنبال نخستین تلاش‌های شیل^۱ (۱۹۰۰) برای ایجاد ارتباط میان گروه بزرگی از متون شوش که دارای اثر مهر (تقریباً ۱۵۵۰ عدد) بودند و الواح ایلامی جدید (الواح ایلامی قدیم) شناخته شد. این متون در لایه‌های ۱۶-۱۴b از آکروپل و در یک کاوش محدود از شهر شاهی یافت شدند که تاریخی در حدود اواخر هزاره چهارم و اوایل هزاره سوم پ.م. را در بر می‌گیرند. با این وجود هیچ مدرکی برای تأیید ارتباط ادعا شده با الواح ایلامی قدیم، چه از نظر زبانی و چه از منظر تصویری و هنری وجود نداشته و هیچ پیوستگی میان حکاکی دوره آغاز - ایلامی و ایلامی قدیم چه در شمایل‌نگاری و چه در سبک تأیید نشده است.

شوش III

بقایای فرهنگی آغاز ایلامی در شوش در دوره سوم شهر به‌خوبی شناخته شده است. دوره IIIA در لایه‌های ۱۴-۱۶ آکروپل، لایه‌های ۱۸-۱۵ از شهر شاهی و در مراحل Cc و Da لوبرتون شناخته شده است، همچنین در شوش IIIB در لایه‌های ۱۴-۱۳ از شهر شاهی و مرحله Db شناسایی شده است. شواهد افق فرهنگی آغاز ایلامی در تل گسر، تل ملیان (اواسط و اواخر بانس)، شهر سوخته I، تپه سفالین، آریسمان، تل نورآباد، سیلک IV، تپه حصار، گودین تپه، اُزبکی، تپه یحیی (دوره IVc)، میری قلات IIIc و محطوط‌آباد III نیز یافت شده است.



سبک آغاز ایلامی

در سال‌های پایانی دوره اوروک، یک سنت شوشانی پدیدار شد که به‌خوبی در مجموعه‌های بعدی آغاز - ایلامی نشان داده می‌شود (۲e-f). همانگونه که پیتمن^۲ (۲۰۰۱) پیشنهاد کرده، تفاوت‌ها در شمایل‌نگاری میان هنر حکاکی اور و شوش را می‌توان با انواع فعالیت‌های اقتصادی در هر دو مرکز شرح داد. حکاکی این دوره که به طور گسترده در سراسر فلات ایران پراکنده شده است، در اولین تحولات خود طرح‌های ساده شده، معمولاً هندسی را باز تولید می‌کند که می‌توان آن‌ها را به چهار سبک اصلی سبک کلاسیک، سبک سنگ صابون لعابدار، سبک نخبر و سبک حجاری تقسیم کرد. در شوش، الگوهای هندسی اغلب شامل لوزی‌ها و نوارهای افقی است، در حالی که به اصطلاح «سبک آغاز ایلامی کلاسیک» پیشنهادی پیتمن که در لایه‌های ۱۴-۱۵ آکروپل یافت می‌شود، در ارتباط با الواح اداری است. در گروه کلاسیک، تصاویر حیوانات جایگزین تصاویر هندسی می‌شود و این حیوانات مانند انسان عمل می‌کنند یا در کنار یک کوه سبک‌وار با یک درخت احتمالی در قله آن قرار می‌گیرند. تصاویر حمله شیرها به بزها و گاوها ادامه دارد و موجودات خیالی تنها به‌ندرت ظاهر می‌شوند. این سبک مملو از جزئیات است و با هر شخصیت منحصر به فرد نسبتاً خوبی به تصویر کشیده

¹ V. Scheil

² H. Pittman

شده است اما حکاکی آن صاف و کم عمق به نظر می‌رسد و هنوز از اشکال دوره سلسله‌های اولیه III_b فاصله دارد.

بر اساس سبک و شمایل‌نگاری، گروه سنگ صابون لعابدار را می‌توان در دو گروه اصلی «هاشوردار» و «چند عصری» تقسیم کرد (Pittman 1980: 129) که در آن طرح‌های متعدد فاقد هرگونه ارتباطی با یکدیگر هستند. مهرهای مسطح منتسب به این دوره در شوش و تل‌ملیان نیز شناخته شده‌اند که نقوش آن هندسی و بسیار شبیه مهرهای استوانه‌ای است.

دوره ایلام قدیم (حدود ۲۷۰۰/۲۸۰۰-۲۳۰۰ پ.م.)

سومرنگار نیم که برای نشان دادن ایلام استفاده می‌شود، با اطمینان در دوره سلسله‌های اولیه II و III ظاهر می‌شود. وجود آن در فهرست پادشاهان سومری تأیید شده جایی که ایلام و اَوَن^۱ هر دو در اختلافات ارضی خود در مقابل اِن‌مِبَرگسی^۲ از کیش و اور ذکر شده‌اند. به این دلایل و بر اساس مستندات حکاکی که در آن نشانه‌های یک میراث نمادین و تصویری ایلامی برای نخستین بار ظاهر می‌شود، ترجیح داده می‌شود که مرحله قدیم بین دوره آغاز ایلامی و آغاز حکومت ایلام شناسایی شود.

از اواخر ربع اول هزاره سوم پ.م.، در دوره پیش از سارگن اکدی، تصاویر هنری از کارگاه‌های میان‌رودان ناشناخته است. بین سبک‌های آغاز-ایلامی و ظهور اولین شواهد از خصوصیات شمایل‌نگاری و سبک‌شناختی که ریشه در میراث فرهنگی ایلامی دارد، سبک حکاکی شوشان بسیار نزدیک به کارگاه‌های همزمان میان‌رودانی است. در عین حال، در شرق در جیرفت، یک هنر حکاکی جدید در حفاری‌های اخیر توسط مجیدزاده^۳ (۲۰۰۸) در جنوب کنار سَندَل انجام شده که به‌خوبی نشان داده که به مرحله سلسله‌های اولیه III بسیار نزدیک است اما با خصوصیات هنری خاص که در دوره بعد در سبک قدیم جنوب شرق ایران رایج خواهد شد (به سبک قدیم جنوب شرق ایران بنگرید).

شوش IVA

بقایای فرهنگی دوره IVA در شوش در لایه‌های ۳-۴ از آکروپل و ۹-۱۲ از شهر شاهی یا همان مراحل Dc/d لو برتون^۴ (۱۹۵۷) و به اصطلاح «قرن ۲۵»^۵ توسط دو مکتم^۶ (۱۹۳۴) شناسایی شده است. حکاکی شوش همگونی قوی را با مجموعه‌های میان‌رودانی نشان می‌دهد و معرف توالی فرهنگی دشت شوشان است. تنها تعداد کمی از نمونه‌ها جزئیات تصویری را نشان می‌دهند که احتمالاً متأثر از سبک حکاکی ارتفاعات است. در یک تحلیل کلی‌تر باید فرض کنیم که کل مجموعه شوش IVA با سبک‌های آغاز-ایلامی ارتباطی ندارد و بهتر است آنان را به عنوان سبک‌هایی متفاوت با هنر حکاکی میان‌رودان و همچنین فراه، کیش، اور، لگش و محوطه‌های منطقه دیاله در نظر گرفت.

¹ Awan

² Enmebaragesi

³ Y. Madjidzadeh

⁴ L. Le Breton

⁵ XXV siècle

⁶ R. de Mecquenem



سبک سلسله‌های اولیه (حدود ۲۶۰۰-۲۳۰۰ پ.م.)

حکاکی شوش IV_A را باید سبکی متفاوت از سبک میان‌رودانی در نظر گرفت که متعلق به دوره سلسله‌های اولیه III بوده و امکان شناسایی حداقل دو گروه اصلی از مهرها را فراهم می‌کند: نخستین گروه که شباهت‌هایی با فارا (مرحله ایمدوگود - سوکور^۱)، کیش A، دیاله (ED III_A^۲) و آرامگاه‌های سلطنتی اور (دوره مسکلمدوگ^۳) (تصویر ۲h-g) را نشان می‌دهد و گروه دوم قابل قیاس با اور I (مسنپد^۴) و مجموعه‌های لگش (لوگند^۵) است (تصویر ۲i-j).

به نظر می‌رسد که بتوان سبک‌های قدیم و جدید سلسله‌های اولیه را در مجموعه‌ای از مهرها که عمدتاً از شوش به دست آمده‌اند مشاهده کرد، اگر چه مهرهایی از لرستان (دو مورد از بنی سرمه و کله نَسار) نیز یافت شده‌اند. تنها شش مهر در بافت‌های طبقه‌بندی شده منتشر شدند؛ به جز نمونه‌ای که در لایه IV_A از شهر شاهی I مربوط به دوره شوش V یافت شد، تمام مهرهای دیگر در بافت‌های باستان‌شناسی سلسله‌های اولیه یافت شدند. حکاکی اولیه شوش IV_A از «طرح هرمی» میان‌رودانی پیروی می‌کند اما با تصویر سبکی مسطح‌تر و کم حجم‌تر از آن چه در کارگاه‌های اور و دیاله تولید شده‌اند. در مرحله قدیم، موضوع اصلی در «نوار نقوش» حمله شیرها به بزها/آهوان با یا بدون تصویر یک انسان عریان است. در سال‌های پایانی دوره سلسله‌های اولیه و در لایه‌های بعدی شوش IV_A، اشکال هنری جدید در انتخاب موضوعات و تصاویری همچون صحنه‌های ضیافت، نقوش رو به جلو، موضوعات ساختمانی و خدایپرستی نمایان می‌شوند. از منظر سبک‌شناختی، مهرهای جدید ویژگی حجیم‌تر، دقت در جزئیات و کاهش نسبی شخصیت‌ها به همراه خوانش رو به مرکز صحنه را نشان می‌دهند که بر طرح پیوسته در گونه «نوار نقوش» غلبه می‌کند. به نظر می‌رسد که آخرین نمونه‌های این دوره دیدی جدید از فضای مهر را معرفی می‌کند که به طور گسترده توسط کارگاه‌های اکدی توسعه می‌یابد و تداوم تاریخی در توالی‌های فرهنگی دشت شوشان و محوطه‌های اصلی آن را تأیید می‌کند.

سبک کُناَر صَندَل (حدود ۲۴۰۰/۲۵۰۰-۲۳۰۰ پ.م.)

گروهی از مهرها و اثر مهرها در جیرفت و در کُناَر صَندَل یافت شدند؛ جایی که یک تمدن جدید در سال‌های اخیر با کاوش باستان‌شناسان ایرانی به سرپرستی دکتر مجیدزاده شناسایی شده است. بیشتر اثر مهرها از ترانشه شماره سه کُناَر صَندَل به دست آمد و آن‌ها را باید به عنوان تولیدات محلی در نظر گرفت که می‌تواند به درک توالی گاهنگاری جنوب کُناَر صَندَل کمک کند. اثر مهرها خصوصیات شمایل‌نگاری نزدیک به نمونه‌های میان‌رودانی را نشان می‌دهند که در آن چارچوب ساختار نمادینی پویا، ساز و برگ بیان نمادین نامنظم‌تر است. با این وجود، مهرهای مسطح چهارگوش موجود در جنوب کُناَر صَندَل را باید سبکی هنری از فرهنگ جنوب شرق

¹ Imdugud-sukurru

² Early Dynastic III_A

³ Meskalamdug

⁴ Mesanepada

⁵ Lugalanda

⁶ این دوره در شهرک پایینی (در مراحل ۳-۲)، در ارگ (مرحله اولیه و معبد) و در گورستان محوطه‌آباد (دوره III) شناخته شده است.



ایران در نظر گرفت. این گروه نخستین حکاکی نزدیک به سبک‌های بعدی است که توسط نویسنده تحت عنوان «جنوب شرق ایران» معرفی شده است (تصویر ۳a-d، همچنین به سبک قدیم و جدید جنوب شرق ایران بنگرید).

دوره ایلام قدیم I (حدود ۲۳۰۰-۲۱۰۰ پ.م.)

از منظر هنری، دوره حقیقی ایلام با ظهور خصوصیات شمایل‌نگاری و سبک‌شناختی مرتبط با سلسله ایلامی آون آغاز می‌شود. طی این زمان، تصاویر، موضوعات و سبک‌های جدید در هنر حکاکی شوش، از جمله مهرها و اثر مهرهای یافت شده در شهر شاهی پدیدار می‌شود که حاوی کتیبه‌های رسمی از پادشاهان آونی است. در زمان تسلط اکدی‌ها بر شوشان، فرمانروایان شوش که احتمالاً تحت تأثیر میراث نواحی مرتفع ایلامی بودند، توانستند سبک‌های هنری جدیدی که البته هنوز استاندارد و نظام‌مند نشده بود را توسعه دهند. این سبک‌ها در زمان سلسله‌های سیمشکی و به‌ویژه سوگل‌مخ هنگامی که هنر حکاکی به موضوعی نمادین و تبلیغاتی تبدیل شد، پر کاربرد می‌شود.

شوش IV_B و VA

دوره‌های شوش IV_A و V_B به‌خوبی در لایه‌های ۵-۸ شهر شاهی، در دوره VII_B گیرشمن در شهر شاهی (تنها شوش VA) در لایه‌های ۱-۲ آکروپول (برای شوش IV_B) و مرحله De لو برتون نشان داده شده‌اند. مجموعه اصلی مهرها از خصوصیات شمایل‌نگاری، موضوعی و سبک‌شناختی دوره اکد پیروی می‌کند، هر چند در برخی موارد دارای یک حالت تصویری است که ریشه در پیشینه فرهنگی شوشانی - ایلامی دارد. علاوه بر این، می‌توان دو سبک دیگر را نیز تشخیص داد که با وجود تأثیرپذیری از حکاکی اکدی دارای خصوصیات شمایل‌نگاری و سبک‌شناختی مستقل هستند: نخست گروه آونی (حدود ۲۳۵۰-۲۱۵۰ پ.م.) (تصویر ۳e-f) و گروه کوهپایه‌ای (حدود ۲۴۰۰-۲۲۰۰ پ.م.) (تصویر ۳g-h).

گروه آونی در کارگاه‌های اکدی در شوش (حدود ۲۳۵۰-۲۱۵۰ پ.م.)

در تولید گسترده و همگون اکدی مهرهای شوش، ما می‌توانیم گروهی واحد از تولید محلی را که تحت تأثیر میراث فرهنگی نواحی مرتفع در سبک و شمایل‌نگاری قرار گرفته، شناسایی کنیم (۳e-f). اگر چه سبک ایلامی یا تا حدودی مشابه آن تنها در پایان هزاره سوم پ.م. در زمان سلسله سیمشکی (قابل مقایسه با سبک ایلام قدیم II-III) قابل تشخیص است اما در این دوره است که برخی جنبه‌های سبک‌شناختی و شمایل‌نگاری ویژه (که بعدها در هنر حکاکی ایلامی شناخته شد) برای نخستین بار ظاهر می‌شود. در مقایسه با حکاکی اکدی، این سبک دارای حجم کمتر و کاهش شکل‌پذیری است. تصاویر بیشتر الگووار است و توجه کمتری به جزئیات شده که اغلب سبک‌های سلسله اولیه III را به یاد می‌آورد. موضوعات، از جمله صحنه‌های اساطیری در مجموعه اکدی ناشناخته هستند و در عوض به‌شدت در میراث فرهنگی نواحی مرتفع ایران ریشه دارند. در عین حال، به نظر می‌رسد که کارگاه‌های شوشان از نقوش جدید ایلامی همچون خدای مار (که بعدها در نقوش برجسته ایلامی اصلاح شد)، عابد یا کارگزار بلندمرتبه دست به سینه قبل از خدا، خوشه‌های غلات آویزان از شانه‌ها، بز با سر



انسان و تاج تخت استفاده می‌کنند. برای مثال، مهر اپیرومی^۱ خصوصیتی را نشان می‌دهد که در سبک اکدی ناشناخته است، به طور دقیق موی بلند روی شانه‌های نقش اصلی، بسیار مشابه نمونه‌هایی است که در سبک‌های همزمان جنوب شرق ایران مانند کُناَر صَندَل، گُور، شوش و شهداد می‌توان مشاهده کرد.

سبک کوهپایه‌ای (حدود ۲۴۰۰-۲۲۰۰ پ.م.)

در گذشته به اشتباه به عنوان گوتی معرفی شده است (Frankfort 1955: 33-34)،^۲ یک گروه از مهرها به دلیل پراکندگی جغرافیایی در نواحی که بسیار نزدیک به کوه‌های زاگرس - توروس و در استان لرستان هستند را باید به عنوان سبک کوهپایه‌ای در نظر گرفت (۳g-h). این مهرها در شوش، کَمترلان II، کَله نَسار، سرخ دُم لری و تپه گیان اما همچنین در محوطه‌های خارج از ایران، همچون اور، تل آسمَر، تل برک، کیش، تل سلیمه و آشور یافت شدند. بافت باستان‌شناسی این سبک در منطقه دیاله امکان پیشنهاد توالی زمانی بین ۲۴۰۰ و ۲۲۰۰ پ.م. را فراهم می‌کند (کمی بالاتر از ارزیابی‌های زمانی آمیه، 192: Amiet 1972). این سبک به نظر خشن همراه با یک بریدگی کوچک است که حالت و وضوح را کاهش می‌دهد. موضوعات به تصویر کشیده شده همگون هستند و عمدتاً بر قهرمان در نبرد با موجودی اسطوره‌ای دو سر متمرکز و جایگزین سنت تصویری اکدی همچون شیرها/ بزها می‌شوند.

سبک قدیم جنوب شرق ایران (حدود ۲۳۰۰-۲۲۰۰-۲۱۰۰ پ.م.) (تکاب^۳ III₂، یحیی IV_{C1-IV_B})



پس از سبک نخستین کُناَر صَندَل، هنر حکاکی جدیدی در دره هلیل‌رود و به صورت کلی‌تر در جنوب شرق ایران^۴، از جمله شهداد به عنوان دروازه‌ای که میان تمدن‌های جیحون و جیرفت قرار دارد، پدیدار می‌شود. این گروه از مهرها را می‌توان به مجموعه سبک‌های نخستین کارگاه‌های جنوب کُناَر صَندَل و تولید ظروف کلریت و مجموعه جدید متعلق به اواخر هزاره سوم و آغاز هزاره دوم پ.م. تقسیم نمود (بازگشت به این موضوع در سبک جدید جنوب شرق ایران): (۱) گروه نخست (حدود ۲۳۰۰-۲۲۰۰-۲۱۰۰ پ.م.) (تصویر I-۳i)؛ (۲) گروه جدید (حدود ۲۲۰۰/۲۱۰۰-۱۹۰۰/۱۸۰۰ پ.م.) (به سبک جدید جنوب شرق ایران و تصویر a-d ۶ بنگرید). مهرهای این دوره مربوط به ربع سوم و چهارم هزاره سوم پ.م.، تقسیم‌بندی متعادل فضا را با نظم و دقت بیشتری نسبت به سبک قبلی کُناَر صَندَل نشان می‌دهند (با شوش IV_A مقایسه کنید). شخصیت‌ها اکنون با توجه بیشتری به جزئیات در برخی موارد نقوش واقع‌گرایانه را به تصویر کشیده‌اند که در آن خصوصیات عضلانی هر فرد به خوبی نشان داده شده است. در عین حال، تصاویر آشفته دوره قبل جای خود را به تقسیم متقارن و متعادل فضا می‌دهد. به نظر می‌رسد این سبک با توجه به استفاده از تصاویر حجیم قابل قیاس با هنر حکاکی کلاسیک اکدی است؛ کم نیستند نمونه‌هایی که استفاده از مته را نشان می‌دهند که از ویژگی‌های خاص حکاکی جنوب شرق ایران تا پایان رواج این سبک در حدود ۱۹۰۰/۱۸۰۰ پ.م. است. صحنه‌های مملو از تصاویر معمولاً دارای مضامین

^۱ Epirmupi

^۲ برای گاهنگاری نیز بنگرید به: Porada 1958: 66 and Matthews 1997: 146-147.

^۳ Takab

^۴ در نهایت، پیتمن (2001: 236) ترجیح می‌دهد تا این گروه از مهرها را «حکاکی جنوب فلات مرکزی ایران» بنامد.

اسطوره‌ای هستند که در آن یک خدا/ الهه بدون نیم‌تاج یا سایر نمادهای هویتی دیگر^۱، مهم‌ترین شخصیت‌ها را نشان می‌دهند. به نظر می‌رسد الهه^۲ بالدار، الهه^۳ باروری و خدا/ الهه با مارها نقش مهمی در تصویرسازی نقوش خدایان در جنوب شرق ایران ایفا می‌کند.

پس از تولیدات سبکی آغاز ایلامی و کُناَر صَندَل، هنر حکاکی مرکز/شرق ایران برای نخستین بار یک تحول بومی را بدون هیچگونه دخل و تصرف فرهنگی در شکل‌گیری میراث تصویری و سبکی خود نشان می‌دهد. در صورتی که به نظر می‌رسد «پدیده» آغاز ایلامی از غرب ایران سرچشمه گرفته است و کارگاه‌های کُناَر صَندَل (ترانشه شماره سه) از سبک‌های هنری و تصویری همزمان با دوره سلسله اولیه III در میان‌رودان پیروی می‌کنند (به شوش IV_A بنگرید)، مرحله قدیم حکاکی جنوب شرق ایران نشان‌دهنده سبک نخستین مهرهایی است که به شدت ریشه در ذخایر فرهنگی مرکز و شرق ایران دارد. این سبک‌ها را می‌توان به دوره‌های یحیی IV_{C1-IV_B} و تکاب III₂ همزمان با شهر سوخته III در دره هیرمند، میری قلات IV در منطقه مکران، آدجی کوی I-II_A (نمازگا^۲ V) در منطقه جیحون و در نهایت، هاراپا III_{A-B} در دره سند منتسب کرد.

دوره ایلام قدیم II-III (حدود ۲۱۰۰-۱۵۰۰ پ.م.)

در دوران حاکمیت سیمشکی و سوگلمخ، یک تغییر اساسی در نشانه‌های رسمی تصویری طبقه حاکم به وجود می‌آید. شواهدی از یک سبک مستقل بسیار نزدیک به دنیای ایلامی وجود دارد و تلاش فراوانی در بزرگداشت حکومت و دودمان ایلامی می‌شود. این تلاش در عناوین جدید پادشاهان ایلامی، در پیدایش کتیبه‌های دودمانی، در تطابق بین هنر صخره‌ای و حالت‌های شمایل‌نگاری مهرها و در بناهای مذهبی متعدد و تحکیم باورهای الهی متأثر از زوج الهی نپیریش^۳ و کیریریش^۴ مشاهده می‌شود. به نظر می‌رسد که نخستین پادشاهان سوگلمخ یک برنامه رسمی جدیدی را شروع کردند که در آن از نشانه‌های تصویری استاندارد برای بزرگداشت سلطنت ایلامی و وحدت حکومت استفاده می‌شد (Ascalone 2011). در این دوره، انتشار گسترده کتیبه‌های سلطنتی روی مهرها پس از رواج پراکنده آن‌ها در هنر حکاکی اَوَن تأیید شده است (به مهرهای ایپرمویی، اِشپوم^۵ و مهرهای متأخر پوزور - اینشوشینک^۶ بنگرید). مهرهای رسمی حکومتی افرادی همچون کیندوتو^۷، تَن - روهورتر^۸، ایددو^۹، اِبرت^{۱۰}، اَت‌هوشو^{۱۱}، پَل - ایشن^{۱۲}، کوک - کیرمَش^{۱۳}، تِتپ‌مد^{۱۴} (?)، تِمَتی - آگون^۱، تَن - اولی^۲ و کوک -

^۱ در غیاب یک ویژگی خاص برای خدایان، ما باید فرض کنیم که موی بلند (اما نه فراتر از شانه‌ها) و بسته نشده عموماً مختص به الهه است؛ برعکس، به نظر می‌رسد که موی بسته شده مربوط به مؤمنان باشد (به مقایسه‌ها با مجسمه‌های یافت شده در شه‌داد بنگرید)؛ همان فقدان‌ها در مهرهای آنشانی (Anshan) تأیید شده‌اند (به سبک آنشانی بنگرید).

² Namazga

³ Napirisha

⁴ Kiririsha

⁵ Eshpum

⁶ Puzur-Inshushinak

⁷ Kindattu

⁸ Tan-Ruhurater

⁹ Idadu

¹⁰ Ebarat

¹¹ Attahushu

¹² Palaiishshan

¹³ Kuk-Kirmash

¹⁴ Tetepmada



نشور^۳ باید ارتباط تنگاتنگی با نمایش‌های به یاد ماندنی از تصاویر سلطنتی در نقوش برجسته کورانگون و نقش رستم در نظر گرفت.

دوره شوش V_B و کفتری (سلسله‌های سیمشکی و سوگل‌مخ)

اخیراً تنها یک هنر حکاکی مستقل ایلامی در شواهدی که از تل ملبان و شوش به دست آمده، شناسایی شده است؛ جایی که تعداد زیادی از مهرهای ساخته شده از قیر که به آن‌ها «محبوب و عامه‌پسند»^۴ نیز گفته می‌شود (Amiet 1972: 239)، یافت شدند (گروه آشنایی)^۵. با این حال، شناسایی کامل بقایای هنر حکاکی آشنایی با توجه به دانش اندک از بافت باستان‌شناسی و حفاری‌های محدود انجام شده در منطقه فارس دشوار است. در همین دوره که سبک‌های آشنایی رواج دارد، سبک هنری جدیدی توسط کارگاه‌های ایلامی (گروه ایلامی قدیم) تولید شد که سبکی متفاوت از سبک آشنایی است اما از همان بستر فرهنگی ایلامی سرچشمه می‌گرفت (به سبک ایلامی قدیم II-III بنگرید). این گروه متشکل از حدود ۲۰۰ مهر ایلامی قدیم است که آن‌ها را باید به دلیل تفاوت‌های شمایل‌نگاری، سبک‌شناختی و موضوعی با مهرهای میان‌رودانی و آشنایی، شباهت بسیار با شمایل‌نگاری ایلامی و در نهایت، به دلیل وجود نام‌شناسی وسیع ایلامی، دارای میراث فرهنگی ایلامی دانست.



سبک ایلامی قدیم II-III (حدود ۲۱۰۰-۱۵۲۰ پ.م.)

آگاهی از هنر حکاکی ایلامی قدیم در شوش امکان شناسایی یک سبک هنری جدید را فراهم می‌کند که از نظر مضامین و سبک بسیار نزدیک به سبک‌های میان‌رودانی است اما توأمان پیوندهای تصویری خاص به گروه مهرهای آشنایی نیز دارد. بر این اساس می‌توان حضور یک هنر مستقل، متأثر از خصوصیت فرهنگی دوگانه آن، با تقسیم‌بندی درونی سبک‌شناختی و چهار مرحله اصلی سبک تاریخی و فرهنگی را در نظر گرفت: (۱) ایلامی قدیم II. مرحله اولیه (حدود ۲۰۳۱-۱۹۲۰/۱۹۰۰ پ.م.) (تصویر ۴a-b)؛ (۲) ایلامی قدیم III_A. مرحله انتقالی (حدود ۱۸۰۰/۱۹۰۰/۱۹۲۰ پ.م.) (تصویر ۴c-d)؛ (۳) ایلامی قدیم III_B. مرحله کلاسیک (حدود ۱۸۰۰-۱۶۵۰ پ.م.) (تصویر ۴e-f)؛ (۴) ایلامی قدیم III_C. مرحله متأخر (حدود ۱۶۵۰-۱۵۰۰ پ.م.) (تصویر ۴g-h).

توسعه مراحل حکاکی ایلامی قدیم به‌خوبی توسط کتیبه‌های سلطنتی روی مهرها مشاهده می‌شود، اگر چه گاهی اوقات مطابقت با نام‌هایی همچون اِبرت یا ایددو چالش‌های تفسیری را ایجاد می‌کند. مرحله اولیه سبک ایلامی قدیم II-III مربوط به کارگاه‌های سیمشکی است (حدود ۲۰۳۱-۱۹۲۰/۱۹۰۰ پ.م.)، در حالی که سه مرحله بعدی متعلق به دوره سوگل‌مخ است که نشان‌دهنده روند طولانی توسعه میراث تصویری ایلامی است (حدود ۱۹۰۰-۱۵۲۰ پ.م.). همزمان با دوره پادشاهی سوگل‌مخ که سرزمین‌های ایلامی بیشترین گسترش جغرافیایی خود را تجربه می‌کند، سبک هنری جدیدی بنیان نهاده می‌شود. بعد از اولین مرحله انتقالی (حدود ۱۸۰۰-۱۹۰۰ پ.م.) که بسیار متأثر از الگوهای شمایل‌نگاری دوره سیمشکی است، به نظر می‌رسد هنر حکاکی بخشی از برنامه

¹ Temti-Agun

² Tan-Uli

³ Kuk-Nashur

⁴ populaire

^۵ این سبک، تحت عنوان «آشنایی» به منظور تشخیص آن از مهرهای همزمان ایلام قدیم، به‌خوبی در شوش جایی که حدود ۳۰۰ مهر در حفاری فرانسوی‌ها یافت شد، نشان داده شده است (به سبک آشنایی بنگرید).

تبلیغاتی حکومت نایب‌السلطنه سوگل‌مخ است که از یک راهبرد سیاسی گسترده‌تر پیروی می‌کند (حدود ۱۸۰۰-۱۶۵۰ پ.م.). ایجاد یک هویت هنری نشانه‌های جدید تصویری و شمایل‌نگاری را اعمال کرد که به طور گسترده از دوره سیروکوتوه^۱ به بعد پرکاربرد می‌شود. همانند حکاکی سبک سیمشکی، حکاکی سبک سوگل‌مخ تحت تأثیر گسترش سبک تصویری همزمان آن در میان‌رودان بود، اگر چه استفاده مکرر و اصولی از شمایل‌نگاری‌های ایلامی نظام‌مند شد و تأکید جدیدی بر تصاویر دقیق‌تر و سبک‌های حجمی شد.

ایلامی قدیم II: مرحله اولیه (حدود ۲۰۳۱-۱۹۲۰/۱۹۰۰ پ.م.)

این گروه در سبک، شمایل‌نگاری و مضامین، با عوامل مؤثر آشکار سومری جدید/بابلی قدیم در پیشینه فرهنگی بومی، به شدت همگون هستند. این سبک به طور کلی به هنر حکاکی همزمان میان‌رودانی بسیار نزدیک است، اگر چه با بی‌دقتی‌های گسترده، شکل‌پذیری کم و حضور گسترده نقوش خاص که به‌وضوح ریشه در ذخایر فرهنگی ایلامی دارد (به طور ویژه به زاویه اندک ماه، تاج تخت و دست به سینه بودن شخص ایستاده بنگرید). در زمان سلسله سیمشکی، دسته‌ای از مهرها که از سنت میان‌رودانی متمایز بودند برای نخستین بار و نه همیشه به‌خوبی، به منظور ایجاد یک هویت هنری جدید به صورت نظام‌مند توسعه یافتند. به نظر می‌رسد که انتقال به سلسله جدید سوگل‌مخ نسبتاً تدریجی بوده است و پادشاهان آن به طور فعال میراث سیمشکی را یکپارچه کردند و تلاش قابل توجهی انجام دادند تا به شیوه‌ای نظام‌مند سبک تبلیغاتی جدیدی مرتبط با منشأ ایلامی خودشان ابداع کنند.

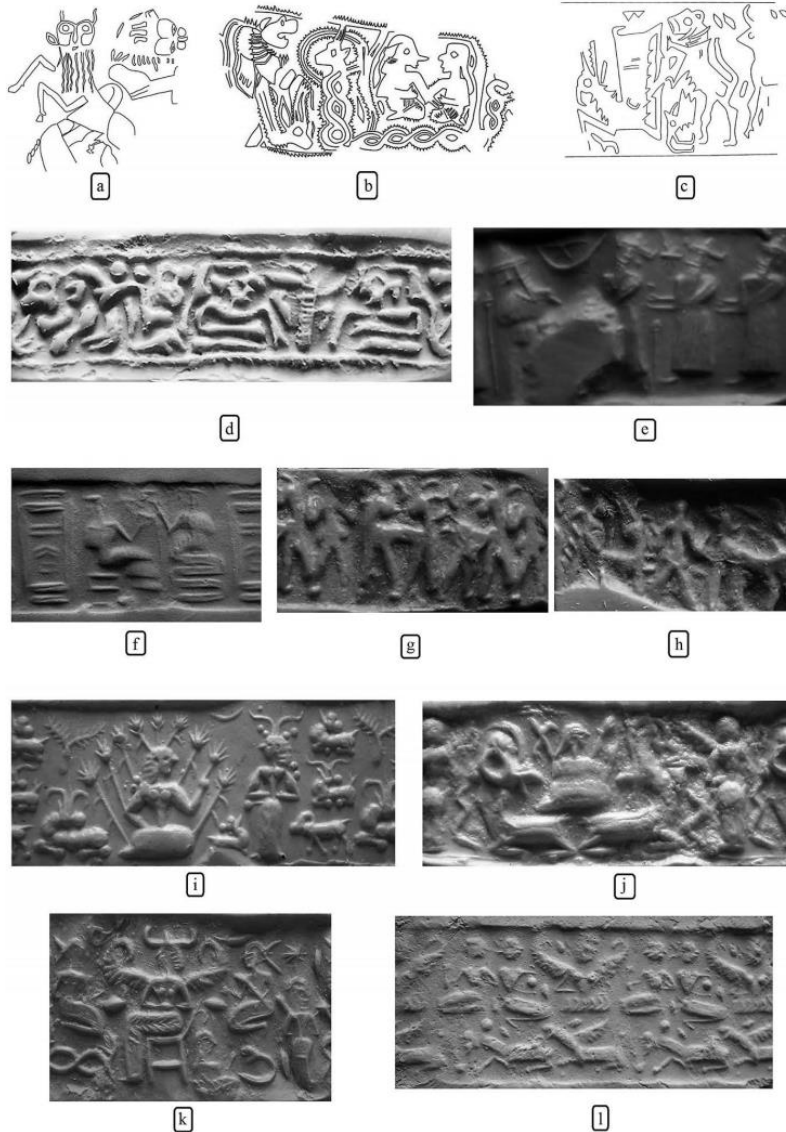
ایلامی قدیم IIIA: مرحله انتقالی (حدود ۱۹۲۰/۱۹۰۰/۱۸۰۰ پ.م.)

به نظر می‌رسد که حکاکی سال‌های نخست دوره سوگل‌مخ عمیقاً تحت تأثیر هنر پیشین سیمشکی باشد. این سبک به تولیدات کارگاه‌های میان‌رودانی بسیار نزدیک است، اگر چه می‌توان یک سبک شاخص ایلامی را نیز شناسایی کرد. به نظر می‌رسد که این سبک مرحله انتقال بین هنر حکاکی سیمشکی همراه با جزئیات کامل مرحله کلاسیک باشد. از منظر سبک شناختی، مهرها یک مسیر فرهنگی دوگانه‌ای را دنبال می‌کنند. حالت عمودی تصاویر، توزیع عادلانه فضا و دید ثابت منجر به تصویری پربار و تکراری شده است. اندازه کوچک شخصیت‌ها، اندازه‌های نامشخص، حجم مسطح تصاویر و خطوط تیز نقوش بسیار شبیه مجموعه مهرهای همزمان آشنانی و سبک اولیه سیمشکی هستند و هر چند موضوعات با تنوع غیر قابل تصور در مقایسه با دوره قبل رواج یافته اما تکراری هستند^۲.

^۱ Sirukutuh

^۲ گروهی از نمونه‌ها (مهرها و اثر مهرها) باید برای سبک و شمایل‌نگاری تولید سلسله‌ای مورد توجه قرار گیرد که در نام‌های اِبرْت، اَت‌هوشو، کوک - کیرمَش و کوک - نُشور در کتیبه‌های روی مهرها ظاهر می‌شود.





تصویر ۳: [a-c] اثر مهرهای کُناَر صَدَل (پس از اعمال تغییرات [d]); (Pittman 2008: Figs. 29b, 30 g and 32a) مهر شهادت (پس از اعمال تغییرات [e-f]); (Ascalone 2011: n. 4A.2) مهرهای اُونی از شوش IV_B (پس از اعمال تغییرات [g-h]); (Ascalone 2011: nn. 1B.164, 150) مهرهای قدیم جنوب شرق ایران از شهادت (پس از اعمال تغییرات [i-j]); (Ascalone 2011: nn. 4B.1-2) مهر قدیم جنوب شرق ایران از تپه یحیی (پس از اعمال تغییرات [k]); (Ascalone 2011: n. 4B.10) مهر قدیم جنوب شرق ایران از جلال‌آباد (پس از اعمال تغییرات [l]); (Ascalone 2011: n. 4B.14)

ایلامی قدیم III_B: مرحله کلاسیک (حدود ۱۸۰۰-۱۶۵۰ پ.م.)

شماپل‌نگاری و سبک جدیدی که در دوره قبل آغاز شد به طور گسترده بر روی مهرهای سلطنت سیروکوتوه بازتاب می‌یابد. این مرحله که نشان‌دهنده تکامل هنر حکاکی سوگُل مَنخ است بواسطه یک هویت ایلامی تعریف می‌شود و ادعاهای سیاسی جدید پادشاهان ایلامی که اکنون سودای تسلط بر سرزمین‌های غربی دارند را دنبال



می‌کند. این سیاست در متون ماری متعلق به حکومت نایب‌السلطنه زیمری - لیم^۱ نیز تأیید شده است. سبک این گروه مشخص‌کننده یک سبک سلطنتی با نشانه‌های تصویری ایلامی است که احتمالاً در کارگاه‌های محلی یا کارگاه‌های غیر رسمی به رسمیت شناخته می‌شوند. همزمان با تحولات سیاسی سلسله سوگل‌مخ در نیمه دوم سده هفدهم پ.م.، تغییری در سبک حکاکی ایلامی بواسطه مشاهده گروهی از مهرها نمایان می‌شود که نشان - دهنده شکل‌گیری مرحله جدیدی از حکاکی ایلامی است.

ایلامی قدیم IIIc: مرحله متأخر (حدود ۱۶۵۰-۱۵۲۰ پ.م.)

هنر حکاکی ایلامی قدیم در سال‌های پایانی سلسله سوگل‌مخ راهکارهای شمایل‌نگاری و سبکی بسیار نزدیک به مرحله قبل را با سبک‌پردازی مشخص‌تر و استانداردسازی جدید تصاویر ادامه می‌دهد. موضوعات همانند مرحله کلاسیک هستند اما نقوش این سبک خشن‌تر نقش شده و توجه کمتری به جزئیات شمایل‌نگاری شده است. دو گروه اصلی را برای این سبک می‌توان مشخص کرد: گروه اول هنوز به سنت پیشین وابسته است و گروه دوم احتمالاً متعلق به سده ۱۶ پ.م. است. اکنون یک سبک‌پردازی اغراق‌آمیز وجود دارد و نبود میراث شمایل‌نگاری ایلامی در صحنه‌هایی به اثبات می‌رسد که در آن وضوح نقوش بر روایت صحنه غلبه دارد. موضوعات مشابه دوره قبل هستند و اکنون با بازیابی صحنه نمایش قدیمی‌تر در مقابل یک خدای نشسته، مقدس شده‌اند. همچنین نقوش جدید به همراه ردیفی از انسان‌ها که به‌طور منظم و الگووار ایستاده‌اند بر تمام سطح مهر ظاهر می‌شود. به نظر می‌رسد که موضوعات هنر حکاکی ایلامی در سال‌های پایانی حکومت نایب‌السلطنه سوگل‌مخ متأثر از سبک کاسی‌ها در میان‌رودان بوده در حالی که سبک و خصوصیات شمایل‌نگاری هنوز متأثر از سنت‌های فرهنگی ایلامی است.

سبک آنشانی (حدود ۲۱۰۰-۱۷۰۰ پ.م.)

همزمان با سبک ایلامی قدیم، هنر حکاکی جدیدی در دوره‌های سیمشکی و سوگل‌مخ پدیدار شد (تصویر ۵). هر چند مهرهای متعلق به این گروه عمدتاً در شوش یافت شدند و تعداد بسیار کمتری از آن‌ها از تل‌ملیان (آنشانی) بودند اما عموماً آن‌ها را «آنشانی» می‌نامند تا بر ارتباط آن‌ها با مرکز سلطنت ایلام تأکید شود. این تولید خصوصیات سبک‌شناختی و شمایل‌نگاری جدیدی را نشان می‌دهد که می‌توان در وجود کتیبه‌های ساده و تکراری، تصاویر طولانی، حذف کلی جزئیات شمایل‌نگاری، طبیعت خشن و سبک‌پردازی قوی نقوش آن را شناخت که نشان‌دهنده روابط نزدیک با هنر حکاکی آشوری قدیم و کاپادوسی است. نوآوری‌های شمایل‌نگاری در صحنه‌های استاندارد نمایش را می‌توان عمدتاً در حذف اشکال ابتدایی، عدم وجود تاج بر سر خدای پذیرنده، پادشاه نشسته بر تخت، تصویر شخصیت‌ها با «سبک خاص موی ایلامی» و حالت ستایشگر یا صاحب‌منصب عالی رتبه با دستان باز کرده و همچنین دست به سینه ساخت.

محدوده زمانی این سبک مشخص نیست اما می‌توان ارزیابی‌های خاصی را انجام داد:

¹ Zimri-Lim

- (۱) هفده مهر آشنانی در شوش توسط دو مورگان در آکروپل در پی معبد اینشوشینک (دوره اور III)، دو مهر در دژ، سه مهر توسط دو مکنم در گورهای شهر شاهی همزمان با لایه‌های V_B گیرشمن، مربوط به سال‌های پایانی سده بیستم و نوزدهم پ.م. یافت شدند. یک مهر توسط دو مکنم در یک گور قرن بیست و سومی در ارتباط با یافته‌های باستان‌شناسی اور III یافت شد؛
- (۲) مهرهای آشنانی از تل ملیان در دوره کفتری پیدا شدند که تقریباً متعلق به ۲۳۰۰/۲۲۰۰-۱۸۰۰/۱۷۰۰ پ.م. است (Ascalone 2015)؛
- (۳) مهرهای آشنانی در لایه‌های سومری جدید و ایسین/لرس از منطقه دیاله یافت شدند؛
- (۴) یک مهر کاپادوسی که در شوش و مربوط به دوره کول تپه II (حدود ۱۹۰۰-۱۸۳۵ پ.م.) یافت شد در ارتباط باستان‌شناسی با بسیاری دیگر از مهرهای آشنانی یافت شده است؛
- (۵) تشابهات بسیاری میان مهرهای آشنانی و حکاکی کول تپه II وجود دارد که از نظر زمانی فراتر از سده نوزدهم پ.م. نیست؛
- (۶) موضوعات روی مهرها بسیار نزدیک به سنت سومری جدید هستند که به ترتیب با حالت‌های سبکی ایسین و لرس همخوانی دارند؛
- (۷) خصوصیت وجود نقوش خشن بر روی مهرهای آشنانی را می‌توان در چندین مهر شوشانی مربوط به پایان هزاره سوم پ.م. یافت؛
- (۸) برخی از مهرهای مربوط به سلسله سیمشکی از نظر سبک و شمایل‌نگاری با مجموعه آشنانی شباهت بسیار نزدیکی دارند؛
- (۹) یکی از مهرها حاوی کتیبه‌ای از پل - ایشن است.

بر اساس مقایسه‌های فوق و شناسایی یک روند توسعه درون سبکی، چهار گروه اصلی در مجموعه مهرهای آشنانی را می‌توان شناخت: (۱) گروه قدیم (حدود ۲۱۰۰-۲۰۰۰ پ.م.) (تصویر ۵a-b)؛ (۲) گروه کلاسیک (حدود ۱۸۰۰-۲۰۰۰ پ.م.) (تصویر ۵c-d)؛ (۳) گروه جدید (حدود ۱۸۰۰-۱۷۰۰ پ.م.) (تصویر ۵g-h)؛ (۴) گروه شرقی (حدود ۲۱۰۰-۱۸۰۰ پ.م.) (تصویر ۵e-f).

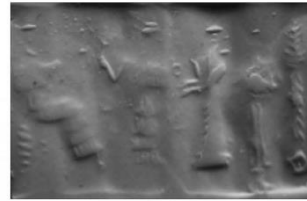
گروه موسوم به «شرقی» بسیار مهم است چرا که نشان‌دهنده پویایی فرهنگی یکپارچه ایلام در پایان هزاره سوم و آغاز هزاره دوم پ.م. است. بر اساس مقایسه‌های شمایل‌نگاری و تصویری، با جام‌های نقره‌ای و نمونه‌های سومری جدید مربوط به سال‌های پایانی هزاره سوم پ.م. و پیکرک‌های بلخی/باختری^۱، شمایل‌نگاری‌های استاندارد شهادت و گروه مهرهای استوانه‌ای جنوب شرق ایران متعلق به پایان هزاره سوم/آغاز هزاره دوم پ.م.، پیشنهاد زمانی برای این گروه باید کمی قدیمی‌تر باشد. مقایسه‌های بالا ممکن است به ما اجازه دهد تا به طور کلی این گروه را به عنوان سبک شرقی به دلیل توزیع گسترده آن در هنر تصویری شرق فلات ایران و تمدن جیحون معرفی نماییم.

¹ Bactrian





[a]



[b]



[c]



[d]



[e]



[f]



[g]



[h]

تصویر ۴: [a-b] مهرهای ایلامی قدیم اولیه از شوش (پس از اعمال تغییرات 2A.8, 37؛ Ascalone 2011: nn. 2A.8, 37)؛ [c] مهر ایلامی قدیم انتقالی از مجموعه سابق پهلوی (پس از اعمال تغییرات 2B.10؛ Ascalone 2011: n. 2B.10)؛ [d] مهر ایلامی قدیم انتقالی از شوش (پس از اعمال تغییرات 2B.15؛ Ascalone 2011: n. 2B.15)؛ [e-f] مهرهای ایلامی قدیم کلاسیک از شوش (پس از اعمال تغییرات 2B.28, 52؛ Ascalone 2011: nn. 2B.28, 52)؛ [g] مهر ایلامی قدیم متأخر از مجموعه سابق مزدا (پس از اعمال تغییرات 2B.145؛ Ascalone 2011: n. 2B.145)؛ [h] مهر ایلامی قدیم متأخر از مجموعه سابق پهلوی (پس از اعمال تغییرات 2B.147؛ Ascalone 2011: n. 2B.147).





[a]



[b]



[c]



[d]



[e]



[f]



[g]



[h]



تصویر ۵: [a] مهر انشانی قدیم از شوش (پس از اعمال تغییرات (Amiet 1972: n. 1687); [b] مهر انشانی قدیم از مجموعه خصوصی (پس از اعمال تغییرات (Ascalone 2011: n. 3A.4); [c-d] مهرهای انشانی کلاسیک از شوش (پس از اعمال تغییرات (Ascalone 2011: n. 1895, 1890); [e] مهرهای انشانی شرقی از شوش (پس از اعمال تغییرات (Ascalone 2011: n. 3B.221); [f] مهرهای انشانی شرقی از چغامیش (پس از اعمال تغییرات (Ascalone 2011: n. 3C.4, 21); [g-h] مهر انشانی جدید از شوش (پس از اعمال تغییرات (Ascalone 2011: n. 3C.4, 21).

سبک جدید جنوب شرق ایران (حدود ۲۲۰۰/۲۱۰۰-۱۹۰۰/۱۸۰۰ پ.م.) (مرحله تکاب III₁)، یحیی IV_A، گُور)

سبک جدید مهرها در جنوب شرق ایران در بافت باستان‌شناسی گُور، تپه یحیی و تاد^۱ شناسایی شده است. مهرهای گُور به ترتیب در گوری از شمال گُور مربوط به سده پایانی هزاره سوم پ.م. (حدود ۲۱۰۰-۲۰۰۰) و در به اصطلاح «معابد فدیها»^۲ مربوط به «مرحله گُور» یافت شدند. مهر مکشوفه در دوره یحیی IV_A در منطقه BW TT₅₋₇ در طی کاوش سال ۱۹۶۹، در دومین لایه ساختمانی در ترانشه پلکانی شمالی محل حفاری پیدا شد که به همان بازه زمانی، همزمان با تکاب III₁، شهر سوخته IV₁، شرتوگای^۳ III-IV و هاراپا III_C نسبت داده می‌شود، در دوره‌ای که زیستگاه جنوبی کُناَر صندَل تغییر کاربری یافته است. سرانجام، مهری از تاد (جنوب اُقصر^۴) در گنجینه‌ای در پی‌های معبد مونت^۵ با یک کتیبه از آمِنمهاَت دوم^۶ (حدود ۱۸۹۵-۱۹۲۹ پ.م.) یافت شد. تحلیل شمایل‌نگاری و سبک‌شناختی از پیشرفت بعدی هنر حکاکی جنوب شرق ایران حکایت دارد، اگر چه این سبک در حفاری‌های جنوب کُناَر صندَل شناسایی نشده است (تصویر a-d-۶). به نظر می‌رسد این گروه از مهرها با صحنه‌ای که اکنون با تقابل دو شخصیت اصلی و با حضور اندک تصاویر فرعی مشخص می‌شوند غنا و ظرافت دوره پیشین را از دست داده‌اند. الگوهای تصویری انعطاف‌ناپذیر، بی‌حاصل و در برخی موارد نامفهوم هستند و با تصاویر کلیشه‌ای نقش شده‌اند. مهرهای متأخر فاقد نشاط توصیفی دوره قدیم هستند (به سبک قدیم جنوب شرق ایران بنگرید). تصویر اصلی دو خدایی را که معمولاً زن هستند و به صورت چهار زانو نشسته‌اند را دوباره ترسیم می‌کند که به ترتیب بالدار و همراه با خوشه‌های گندم روییده از شانه‌هایشان هستند. الهه با خوشه‌های گندم^۷ در مرحله نخست تولید در شهادت به تصویر کشیده شد، در حالی که زن بالدار در تصاویر آشفته‌تر گروه قبلی در یحیی (در «اتاق خلیج فارس» یحیی IV_B)، شهادت، جلال‌آباد و در نمونه‌ای از مجموعه رِنو^۸ ظاهر می‌شود. به نظر می‌رسد هر دو خدا در مهر گُور به تصویر کشیده شده‌اند، جایی که در مقابل خدای نشسته و شاخدار، محصور در دایره خورشیدی ایستاده‌اند. مرحله جدید مهرهای جنوب شرق ایران نشان‌دهنده مسیر نهایی توسعه هنر حکاکی شرق ایران است. به نظر می‌رسد همان‌گونه که کاوش‌های باستان‌شناسی در تپه یحیی بعد از مرحله IV_A شهادت III₁ در دشت تکاب، در دره هیرمند (بعد از پایان دوره IV شهر سوخته)، در میری قلات IV (ساحل مکران)، در جنوب گُور، شرتوگای IV و در تمدن سند نشان می‌دهد، یک بحران گسترده در شرق ایران به حیات این مجموعه فرهنگی پایان داده است.

¹ Tôd

² temples des sacrifices

³ Shortugai

⁴ Luxor

⁵ Mont

⁶ Amenemhat

^۷ همانند آن الهه باید روی مهر رُزن (Rosen) به تصویر کشیده شده باشد؛ او روی یک تخت درون خورشید بالا آمده از کومه قرار دارد که با آمدن آن بهار می‌رسد و توسط خدا با مارهای محافظت شده توسط دو شخصیت اسطوره‌ای ناشناخته نشان داده شده است.

⁸ Rabenou



سبک تورانی^۱ (حدود ۳۵۰۰-۱۵۰۰ پ.م.)

این سبک در جهان ایلامی با دو مهر مکشوفه در شوش و یافتن تعداد اندکی در ارتفاعات غرب ایران شناخته شده است (تصویر ۶e). این گروه از مهرها، عمدتاً مفرغی، ظاهراً سبکی ویژه از تمدن جیحون^۲ و نواحی همجوار آن مانند سیستان و دشت گرگان بوده است. این مهرها خارج از بافت اصلی تولیدشان، به طور پراکنده در شوش (۲)، ماری، تپه یحیی (۱ از دوره IV_B)، کُناَر صَنْدَل (۴)، بَمپور^۳ (۱ از بَمپور IV)، دامین^۴ (۲)، شاهی تومپ^۵ (۱) و موهنجو - دارو^۶ (۱) یافت شدند که نشان دهنده نفوذ فرهنگی تمدن جیحون در فلات ایران است. برای مهرهایی که از شه‌داد، شهر سوخته (عمدتاً از دوره‌های II و III)، موندیگاک^۷ (دوره‌های ۱ از II-۲، ۲ از III-۴، ۴ از III-۵-III، ۳۴ از III-۶ و ۱ از IV-I) و تپه حصار (دوره‌های ۱۲ از II و ۱۱ از III) می‌آیند، ارزیابی‌های متفاوتی باید انجام شود. تمام این محوطه‌ها را می‌توان در یک مجموعه فرهنگی بومی اما بسیار متأثر از مرکز تمدن جیحون قرار داد.

سبک‌های میان فرهنگی

گروهی از مهرها را باید در یک طبقه گونه‌شناسی مجزا در نظر گرفت که تلاقی فرهنگ‌های مختلف را نشان می‌دهد. این مهرهای «میان فرهنگی» دارای سبک‌های ناهمگون شمایل‌نگاری و گاهی کتیبه‌نگاری هستند. ما می‌توانیم نمونه‌های میان فرهنگی را در نواحی مرتفع و پست ایران به شرح زیر شناسایی کنیم:



- دو مهر استوانه‌ای شبه سندی (حدود ۲۲۰۰-۲۰۰۰ پ.م.) (تصویر ۶f-g)؛
- یک مهر مسطح - استوانه‌ای دسته‌دار جنوب شرقی ایرانی - بلخی/باختری - هاراپایی (حدود ۲۳۰۰-۲۲۰۰ پ.م.) (تصویر ۶h)؛
- دو مهر استوانه‌ای آشنانی - دیلمونی^۸ (حدود ۲۰۰۰-۱۸۰۰ پ.م.) (تصویر ۶i-j)؛
- سه مهر مسطح دایره‌ای ایلامی - سندی (حدود ۲۲۰۰-۲۰۰۰ پ.م.) (تصویر ۶k-m)؛
- یک مهر از گونه خلیج فارس (حدود ۲۲۰۰-۲۰۰۰ پ.م.) (تصویر ۶n)؛
- سه مهر یا طلسم جنوب شرقی ایرانی - مروی^۹ (حدود ۲۱۰۰/۲۰۰۰-۱۹۰۰/۱۸۰۰ پ.م.) (تصویر ۷a-c)؛
- پنج مهر مسطح (دسته‌دار) جنوب شرقی ایرانی - مروی (حدود ۲۲۰۰/۲۰۰۰-۱۹۰۰ پ.م.) (تصویر ۷d-h)؛
- شش مهر مسطح دایره‌ای آشنانی - دیلمونی (حدود ۲۰۰۰-۱۸۰۰ پ.م.) (تصویر ۷i-n)؛

^۱ اصطلاحات پیرو ارزیابی‌های تاریخی توزی (Tosi 1977: 47) در این منطقه هستند.

^۲ خلاصه طبقه‌بندی این سبک در باغستانی ۱۹۷۷ و سالواتوری ۲۰۰۰ است.

^۳ Bampur

^۴ Damin

^۵ Shah-i Tump

^۶ Mohenjo-daro

^۷ Mundigak

^۸ Dilmunite

^۹ Margiana

این مهرها بیانگر تعاملات فرهنگی فلات ایران و نواحی ساحلی آن در پایان هزاره سوم و آغاز هزاره دوم پ.م. هستند. به طور ویژه، به نظر می‌رسد که بتوان نقش فرهنگ ایلامی/آشانی را در سبک حکاکی خلیج فارس، که عموماً یک سبک محلی متأثر از کارگاه‌های میان‌رودانی تلقی می‌شود را شناسایی کرد (برای مثال، به مهرهای استوانه‌ای آشانی - دیلمونی از شوش بنگرید). با این وجود، آن‌ها امکان تحلیل اساسی‌تری را برای یک نظام فرهنگی یکپارچه^۱ (ICS) در میان تمدن‌های سند، جیحون، ایلام و جیرفت بین حدود ۲۵۰۰-۱۸۰۰ پ.م. می‌دهند.

دوره ایلام میانه (حدود ۱۵۲۰-۱۱۰۰ پ.م.)

سلسله ایلام میانه پس از پادشاهان سوگلمخ قرار می‌گیرد و به سه مرحله اصلی تفکیک می‌شود: مرحله نخست (حدود ۱۵۰۰-۱۴۰۰ پ.م.) به واسطه تأسیس هفت تپه (کَبَنک باستانی) توسط تپتی - آهر^۲ و مرحله دوم (حدود ۱۴۰۰-۱۲۰۰ پ.م.) به واسطه تأسیس یک مجموعه شهری جدید در چغازنبیل (دور - اونتاش^۳) توسط اونتاش - نپیریش قابل توجه است، در حالی که سومین و آخرین مرحله (حدود ۱۲۰۰-۱۱۰۰ پ.م.) شاهد ظهور شوتروک - نخونت^۴ بود که همسایگان غربی‌اش را مطیع ساخت. همانگونه که یافته‌های باستان‌شناسی تل ملیان و توالی باستان‌شناسی دوره‌های شوش VII و VIII نشان می‌دهند، در طی این دوره آشان و شوش به‌طور گسترده‌ای مسکون می‌شوند.

در هنر حکاکی، تغییری به واسطه سبک‌های ایلامی قدیم تأیید شده است. در این دوره حضور یک ایده جدید در سبک‌پردازی تصاویر و غنی‌سازی نمادها و عناصر فرعی مشاهده می‌شود. مجموعه‌های اصلی مهرها از هفت تپه^۵ و چغازنبیل^۶ بدست آمده‌اند؛ دو محوطه‌ای که به دلیل چارچوب زمانی محدودشان بسیار ارزشمند هستند. حداقل پنج گروه ایلامی میانه را می‌توان شناسایی کرد (تصویر ۸): (۱) گروه ایلام میانه قدیم (ایلام میانه I)؛ (۲) گروه میتانی^۷ (ایلام میانه I-II)؛ (۳) گروه ایلام میانه یا سبک خطی (ایلام میانه II-III)؛ (۴) گروه آشور میانه (ایلام میانه II-III)؛ (۵) گروه شبه کاسی (ایلام میانه I-II).

گروه قدیم مشابه سبک مهرهای ایلام قدیم به نظر می‌رسد، سیدل نام «گروه وینیرک»^۸ (Seidl 1990: 129-135) را برای این سبک انتخاب کرده است، از خصوصیات این سبک وضوح جنبه‌های اصلی تصویر، اندازه کوچک شخصیت‌ها، سبک‌پردازی قوی تصاویر و افزایش کلی تعداد نمادها است. این سبک خاص باید

^۱ به اصطلاح حوزه تعامل آسیای میانه (MAIS) توسط پُسل (Possehl 2002: 215-236) به منظور تأکید بر فرآیند تعاملی میان دره سند و همسایگان آن از دیدگاه هاراپایی استفاده شده است (همچنین بنگرید به: Pittman 2013)، باور من بر این است که در نیمه دوم هزاره سوم پ.م. روابط فشرده‌تر و گسترده‌تر در یک نظام فرهنگی یکپارچه بین نواحی جنوب شرق ایران و تمدن جیحون وجود دارد که در دره سند تنها در یک سیستم بازرگانی با ساختاری خوب نقش داشت. با این حال، شواهد یک نظام یکپارچه از باورها و عقاید بایستی بین مرو و کرمان وجود می‌داشته است.

^۲ Tepti-ahar

^۳ Dur-Untash

^۴ Shutruk-Nakhunte

^۵ مجموعه هفت تپه به هفت گروه اصلی تقسیم شده است که در سبک‌های بابلی، ایلامی - بابلی (یا شوشانی - ایلامی)، کاسی و میتانی شناخته شده است (Mofidi-Nasrabadi 2011).

^۶ پُرادا (Porada 1970) با پیروی از رویکرد شمایل‌نگاری، ده گروه سبکی را در مجموعه چغازنبیل شناسایی کرد.

^۷ Mitannian

^۸ Winnirkegroup



مربوط به اوایل ایلام میانه باشد. این مهرها در شوش، چغازنبیل، نوزی^۱ و سرخ دُم لری در استان لرستان یافت شده‌اند. در همین محدوده زمانی، مهر تپتی - آهر را باید به دلیل روابط شمایل‌نگاری و سبک‌شناختی آن با مهرهای پیشین دوره ایلام قدیم III B تاریخ‌گذاری کرد؛ در این مهر صحنه نمایش فرمانروا در حضور خدا که احتمالاً همان نیپیریش است با عصا و گوی‌هایی روی آن در دست، مشاهده می‌شود. این نقش یک نقش ویژه است که از دوره بابلی قدیم تا پایان سده ۱۷ پ.م. بر روی مهرها بسیار رواج داشته است.

در سبک میتائی استفاده از متة ظریف به طور گسترده مشاهده می‌شود؛ رایج‌ترین موضوعات نشان داده شده درخت خرما با دو بز در دو سوی آن و خدا/پادشاهی که جام و پارچه‌ای را از بانویی دریافت می‌کند. طراحی این سبک بسیار آشفته است و از معیارهای دوره قبل بسیار فاصله دارد.

گروه آشوری میانه با چندین مهر که دارای نقش قهرمانی با دو بز (یا یک کماندار) است، به طور کلی نشان داده شده است. ساز و برگ بیان نمادین در بافتی طبیعت‌گرایانه که نمود آن بیشتر گیاهان بلند است، فعال باقی می‌ماند. حکاکی دقیق و با برشی عمیق در سطح مهرها انجام شده است. مهرهای مربوط به آشور میانه نیز از سرخ دُم لری و دو مهر از مارلیک به دست آمده اما نمونه‌های اندکی در شوش یافت شده‌اند.

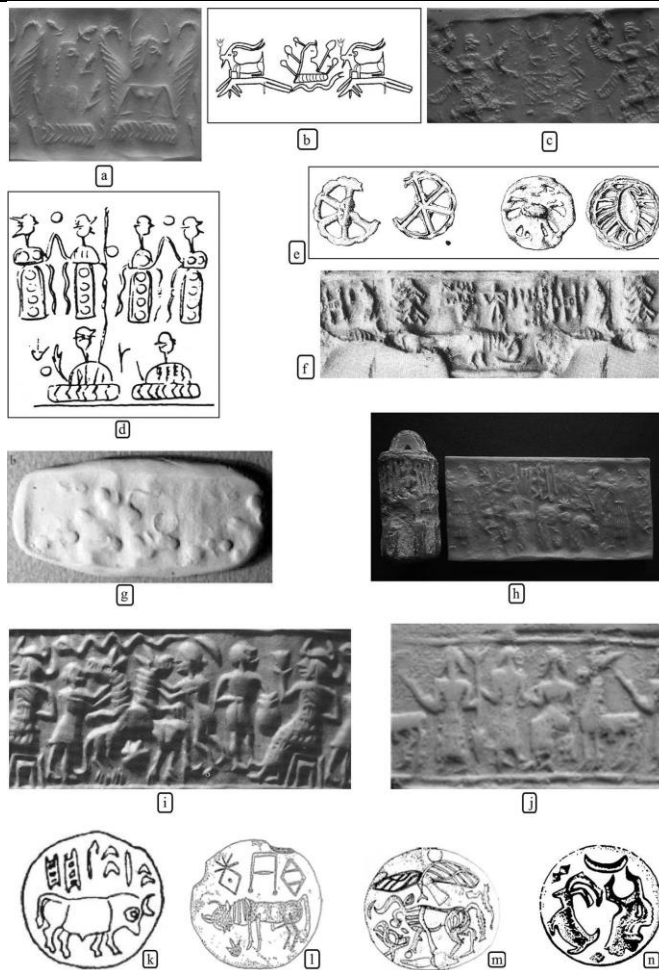
گروه کاسی صحنه‌ای تکراری و استاندارد را نشان می‌دهد که در آن یک، دو یا سه تصویر ایستاده از خدایان و ستایش‌کنندگان با کتیبه‌ای نمایش داده شده که می‌تواند بیشتر تصویر را پر کند. قدمت این گروه را باید به دوره شوش VIII و همچنین گروهی از استوانه‌های ظریف شیشه‌ای آبی که از صحنه‌های مشخص کاسی پیروی می‌کنند را با همان حکاکی، شمایل‌نگاری و سبک محدود کرد. با این وجود، چندین مهر، تولید شده با همان مواد، را باید سبکی بسیار نزدیک به میراث تصویری ایلامی در نظر گرفت: صحنه‌ها عمدتاً با وجود قاب‌های معماری مملو از دایره‌های ظریف متقاطع و نقطه‌ای مشخص می‌شوند و تصاویر معمولاً با درختان پیچک و پرندگان بزرگ یا کمانداری که به سمت شکار نشانه می‌رود، افزایش می‌یابند.

سایر مهرهای ایلامی میانه عمدتاً از بدل چینی ساخته شده‌اند و برخلاف دسته‌بندی‌هایی که در بالا شرح داده شد، طرح‌های آن‌ها عمدتاً به صورت خطی تولید شده است. تصاویر انسان‌ها به جای خدایان و ردیف‌های حیوانات و صحنه‌های ضیافت اغلب در طیف موضوعی وسیع‌تری به تصویر کشیده شده‌اند. با این وجود، رایج‌ترین نقش، شخصی است که یک فنجان را در مقابل یک ملازم بالا می‌آورد، موضوعی درج شده در تصویری که در آن کتیبه‌ها و عناصر شمایل‌نگاری ثانویه (همچون پرندگان یا حیوانات ناشناس) اضافه می‌شوند. پس از سلطنت سلسله شوتروکی هوتلوتوش - اینشوشیناک^۲، پیروی از تاریخ و فرهنگ ایلامی تا اواخر سده هشتم پ.م. دشوار می‌شود، هنگامی که روابط عمدتاً با آشور و بسیار کمتر با منطقه بابل بود.

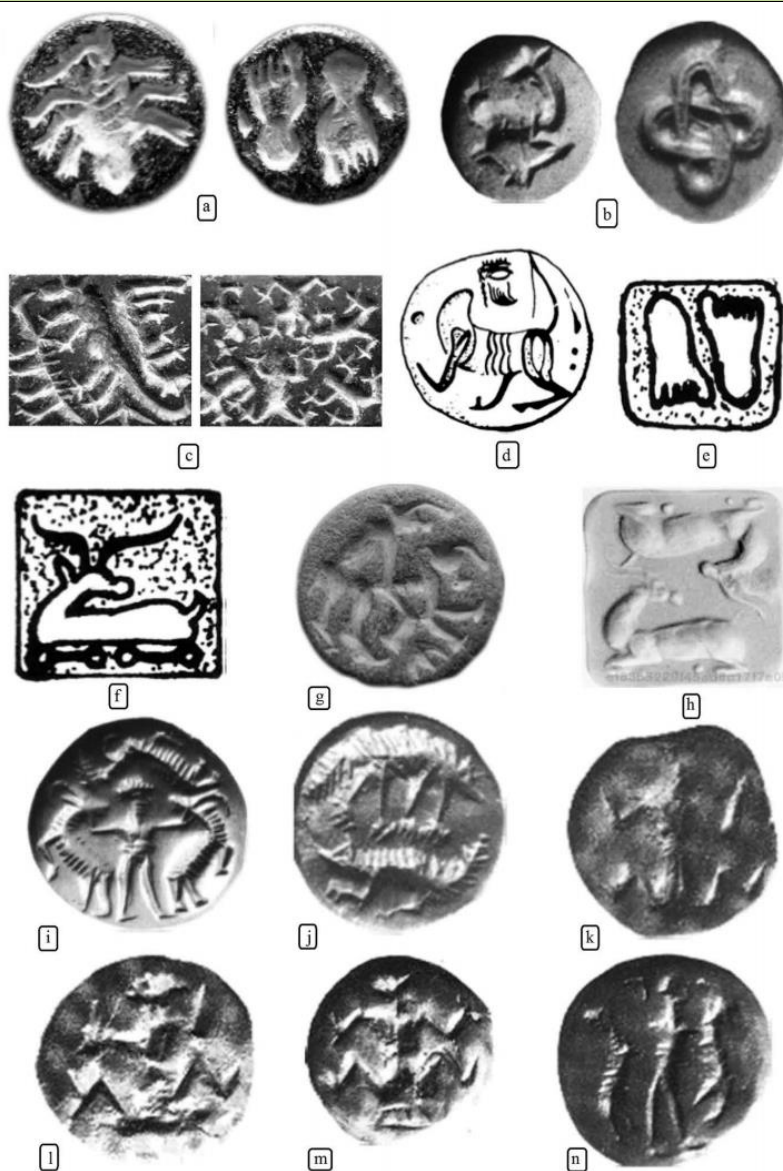


¹ Nuzi

² Hutelutush-Inshushinak



تصویر ۶: [a] مهر جدید جنوب شرق ایران از تپه یحیی (پس از اعمال تغییرات 4B.8 n. 2011: Ascalone); [b] مهر جدید جنوب شرق ایران از گُور تپه (پس از اعمال تغییرات 4B.17 n. 2011: Ascalone); [c] مهر جدید جنوب شرق ایران از شوش (پس از اعمال تغییرات 4B.19 n. 2011: Ascalone); [d] مهر جدید جنوب شرق ایران از تاد (پس از اعمال تغییرات Tallon 1987: nn. 2011: Ascalone); [e] مهرهای مسطح مفرغی چند بخشی از شوش (پس از اعمال تغییرات Amiet 1972: n. 1643); [f] مهر استوانه‌ای شبه سندی از شوش (پس از اعمال تغییرات 1249-1250); [g] مهر استوانه‌ای شبه سندی از جنوب کُناَر صَندَل (پس از اعمال تغییرات 2013: Figure 4.12 Pittman); [h] مهر مسطح - استوانه‌ای دسته‌دار جنوب شرقی ایرانی - بلخی/باختری - هاراپایی از جلال‌آباد (پس از اعمال تغییرات 2011: n. 6B Ascalone); [i-j] مهرهای استوانه‌ای آنشانی - دیلمونی از شوش (پس از اعمال تغییرات 2011: nn. 8.1-2 Ascalone); [k-m] مهرهای مسطح دایره‌ای ایلامی - سندی (پس از اعمال تغییرات 2011: nn. 9.1-3 Ascalone); [n] مهر گونه خلیج فارس از تپه یحیی (پس از اعمال تغییرات 2011: n. 13.1 Ascalone).



تصویر ۷: [a] مهر/طلسم جنوب شرقی ایرانی - مروی از تپه یحیی (پس از اعمال تغییرات 14.1 n: Ascalone 2011); [b] مهر/طلسم جنوب شرقی ایرانی - مروی از شوش (پس از اعمال تغییرات 1721 n: Amiet 1972); [c] مهر/طلسم جنوب شرقی ایرانی - مروی از بازار عهد عتیق (پس از اعمال تغییرات 14.3 n: Ascalone 2011); [d] مهر مسطح دسته‌دار جنوب شرقی ایرانی - مروی از تپه یحیی (پس از اعمال تغییرات 10.1 n: Ascalone 2011); [e-f] مهرهای مسطح دسته‌دار جنوب شرقی ایرانی - مروی از شهداد (پس از اعمال تغییرات 3-10.2 nn: Ascalone 2011); [g] مهر مسطح دسته‌دار جنوب شرقی ایرانی - مروی از تپه گیان (پس از اعمال تغییرات 10.4 n: Ascalone 2011); [h] مهر کُناَر صَدَل از ترانشه V (پس از اعمال تغییرات [i-n] مهرهای مسطح دایره‌ای آنسانی - دیلمونی از شوش (پس از اعمال تغییرات (Amiet 1972: nn. 1720, 1722-1726).





a



b



c



d



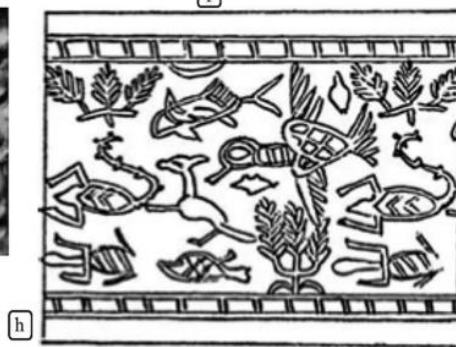
e



f



g



h



تصویر ۸: [a-b] مهرهای ایلام میانه از شوش (پس از اعمال تغییرات 2120-2121 nn. Amiet 1972); [c-e] اثر مهرهای ایلام میانه از هفت تپه (پس از اعمال تغییرات 11, 32 and 126 nn. Mofidi-Nasrabadi 2011); [f-h] مهر ایلام میانه از چغازنبیل (پس از اعمال تغییرات 112, 148 and 51 nn. Porada 1970).

جدول ۱: آنالیز تطبیقی در بین مناطق، دوره‌ها و طبقه‌بندی‌های سبک مهر.

تاریخ	سلسله	مرحله باستان‌شناسی	دوره	حکاکی	سبک
		(شوشان/ فارس/ جنوب شرق ایران)		شوشان/فارس	جنوب شرق ایران
۳۵۰۰-۴۰۰۰		شوش I اواخر باکون - آپویی یحیی VI-VC	شوش A	شوش A	
۳۱۰۰-۳۵۰۰		شوش II اواخر بانس یحیی VB-VA	شوش B	اوروک	
۲۷۰۰-۳۱۰۰		شوش III اواسط/اواخر بانس یحیی IVc مَحْطوط‌آباد III	آغاز ایلامی	آغاز ایلامی	آغاز ایلامی
۲۳۰۰-۲۷۰۰	اَوَن	شوش IVa مرحله معبد (ارگ، KSS) مرحله اولیه (ارگ، KSS) مراحل ۲-۳ (شهرک پایینی، KSS) انتقال بانس/کفتری شهادت IV1	ایلامی قدیم	ED II-III کوهپایه‌ای	جنوب کنار صندل
۲۱۲۰-۲۳۰۰	اَوَن	شوش IVB-VA کفتری یحیی IVB شهادت III2	ایلامی قدیم I	اکدی پس از اکدی کوهپایه‌ای	قدیم جنوب شرق ایران
۱۹۲۰-۲۱۲۰	سیمشکی	شوش VB کفتری یحیی IVa شهادت III1 مرحله گُور	ایلامی قدیم II	سومری جدید ایلامی قدیم اولیه آشنائی قدیم آشنائی کلاسیک	جدید جنوب شرق ایران
۱۸۰۰-۱۹۲۰	سوگل‌مخ	شوش VB کفتری یحیی IVa	ایلامی قدیم IIIA	بابلی قدیم انتقالی ایلامی قدیم آشنائی کلاسیک	
۱۶۵۰-۱۸۰۰	سوگل‌مخ	شوش VI	ایلامی قدیم IIIB	بابلی قدیم ایلامی قدیم کلاسیک آشنائی جدید	
۱۵۲۰-۱۶۵۰	سوگل‌مخ	شوش VI/VII اوایل قلعه	ایلامی قدیم IIIC	ایلامی قدیم متأخر	
۱۴۰۰-۱۵۲۰	کیدینوها	شوش VII هفت تپه اوایل قلعه	ایلامی میانه I	ایلامی میانه قدیم گروه میتائی گروه شبه کاسی	
۱۲۰۰-۱۴۰۰	ایگی‌هالکی‌ها	شوش VIII اوایل/اواخر قلعه چغازنبیل	ایلامی میانه II	گروه آشوری میانه گروه شبه کاسی گروه ایلامی میانه	
۱۱۰۰-۱۲۰۰	شوتروکی‌ها	شوش VIII اواخر قلعه	ایلامی میانه III	گروه ایلامی میانه گروه آشوری میانه	



BIBLIOGRAPHY

- Amiet, P. 1972. *La glyptique susienne, des origines à l'époque des perses achéménides. Cachets, sceaux-cylindres et empreintes antiques découvertes à Suse, de 1913 à 1967*. Mémoires de la Délégation Archéologique en Iran 43. Paris.
- Aruz, J., Harper, P.O. and Tallon, F. 1992. *The Royal City of Susa. Ancient Near Eastern Treasures in the Louvre*. New York.
- Ascalone, E. 2011. *Glittica Elamita. Dalla metà del III alla metà del II millennio a.C. Sigilli a stampo, sigilli a cilindro e impronte rinvenute in Iran e provenienti da collezioni private e museali*. Rome.
- . 2014. Intercultural Relations Between Southern Iran and Oxus Civilization. The Strange Case of Bifacial Seal NMI 1660. *Iranian Journal of Archaeological Studies* 4: 1–10.
- . 2015. *Bastanshenasi Iran Bastan. Gahnegari-e Hezareeh-e sevvom pish az milad*, Studies and Publications Institute, University for Humanities Sciences (SAMT), Research Center and Development. Tehran.
- Baghestani, S. 1997. *Metallene compartmentsiegel aus Ost-Iran, Zentralasien und NordChina*. Archäologie in Iran und Turan. Leidorf.
- Frankfort, H. 1955. *Stratified Cylinder Seals from the Diyala Region*. Oriental Institute Publications 72. Chicago.
- Le Breton, L. 1957. The Early Periods at Susa, Mesopotamia Relations. *Iraq* 19: 79–124.
- Madjidzadeh, Y. 2008. Excavations at Konar Sandal in the Region of Jiroft in the Halil Basin: First Preliminary Report (2002–2008). *Iran* 46: 69–104.
- Matthews, D. 1997. *The Early Glyptic of Tell Brak. Cylinder Seals of Third Millennium Syria*. Orbis Biblicus et Orientalis 15. Fribourg.
- Mecquenem de, R. 1934. Fouilles de Suse 1929 à 1933 (sur l'acropole et la ville royale). *Mémoires de la Délégation en Perse* 25: 177–237.
- Mofidi-Nasrabadi, Behzad 2011. *Die Glyptik aus Haft Tepe. Interkulturen Aspekte zur Herstellung Benutzung von Siegeln in der Anfangsphase der Mittelelamischen zeit*. Elamica 1. Mainz.
- Pittman, H. 1980. Proto-Elamite Glyptic Art from Operation ABC In: Sumner, W.M. (ed.) *Problems of Large Scale, Multidisciplinary Regional Archaeological Research: The Malyan Project*. Xerox.
- . 2001. Glyptic Art of Period IV. In: Potts, D.T. (ed.) *Excavations at Tepe Yahya, Iran, 1967–1975: Periods IVC and IVB (3000–2000 BC)*. Cambridge, 231–268.
- . 2008. Glyptic Art. *Iran*: 95–100.
- . 2013. New Evidence for Interaction between the Iranian Plateau and the Indus Valley: Seals and Sealings from Konar Sandal South. In: S. Abraham



- (ed.) *Connections and Complexity: New Approaches to the Archaeology of South Asia*. Walnut Creek, 63–89.
- Porada, E. 1958. Review of Frankfort 1955. *Journal of Near Eastern Studies* 17: 62–67.
- . 1970. *Tchoga Zanbil. La glyptique*. Mémoires de la Délégation Archéologique en Iran 42. Paris.
- Possehl, G.L. 2002. *The Indus Civilization. A Contemporary Perspective*. Walnut Creek, CA: AltaMira Press.
- Salvatori, S. 2000. Bactria and Margiana Seals, A New Assessment of Their Chronological Position and a Typological Survey. *East and West* 50: 97–146.
- Scheil, V. 1900. *Textes Élamites Sémitiques*. Mémoires de la délégation en Perse 2. Paris.
- Seidl, U. 1990. Altelamische Siegel. In F. Vallat (ed.) *Contribution a l'histoire de l'Iran: mélanges offerts a Jean Perrot* (= Edition Recherche sur les Civilisations), Paris, 129–135.
- Tallon, F. 1987. *Métallurgie susienne I-II: de la fondation de Suse au XVIII siècle avant J.-C.* Musée du Louvre Département des antiquités orientales. Paris.
- Tosi, M. 1977. The Archaeological Evidence for Protostate Structure in Eastern Iran and Central Asia at the End of the Third Millennium B.C. In: Deshayes, J. (ed.) *Le plateau iranien et l'Asie centrale des origines à la conquête islamique. Leurs relations à la lumière des documents archéologique, Paris 22/24 Mars 1976*. Paris, 45–66.

